



# ترانه های رزم و انقلاب



مجموعه سرودها



حزب توده ایران



**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1) Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2) B. M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3) **<http://www.tudehpartyiran.org>**
- 4) **E-mail: [mardom@tudehpartyiran.org](mailto:mardom@tudehpartyiran.org)**



۴	..... سفر با ارباب صبح
۵	..... پیشگفتار
۷	..... میهن ای میهن
۷	..... انترناسیونال (ترجمه)
۹	..... آزادی
۱۰	..... از خون جوانان وطن (آواز بهاری)
۱۱	..... ژاله
۱۲	..... انترناسیونال
۱۳	..... توده زحمت
۱۴	..... سرود آهنگران
۱۵	..... سرود اول حزبی
۱۶	..... سرود دوم حزبی
۱۷	..... سرود سوم حزبی
۱۸	..... سرود چهارم حزبی
۱۹	..... سرود پنجم حزبی
۲۱	..... سرود جوانان دموکرات جهان
۲۲	..... اتحاد خلق
۲۳	..... رزم ما
۲۴	..... صنف اربابان
۲۴	..... نگارنده تاریخ
۲۵	..... سپاس

# درد مهر با ارابه صبح

## ایرج

وقتی مرا به مهر تو آواز می کنی  
وقتی پرند قصه ام آغاز می کنی  
سر می نهی به شانه من گیسوان به ناز  
آهسته باز می کنی اعجاز می کنی  
وقتی به جان تلاوت این عشق ماندنی است  
وقتی که شوق بوسه مهر تو خواندنی است  
سوگند می خورم که به ارابه های صبح  
این عشق تا کرانه خورشید راندنی است





## سرود مجلس است اکنون فلک به رقص آرد که شعر حافظ شیرین سخن ترانه تست

در فرهنگ‌ها و متون قدیمی ادبیات فارسی نوشته‌اند، ترانه از اقسام تصانیف است که در موسیقی قدیم تا به امروز ملاحظه می‌شود و به معنای دوبیتی، سرود، نغمه، نقش و صوت است که همگی در ترانه می‌گنجد. برای ترانه، یعنی زبان آهنگین دلها، خصوصیات ذکر شده که مشخصه آنها، سادگی، سلامت و روانی شعرهایی است که خمیرمایه جاودانگی این ترانه‌ها را شکل می‌دهد و آنها را از زبانی به زبانی و از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌دهد و با قبول عام، مانند بسیاری از ترانه‌های امروزی بر سر زبانهای مردم، بالاخص مردم کوچه و بازار، می‌ماند. ترانه را در قدیم به بحر رباعی می‌ساختند و در لغت فرس اسدی، برهان و انجمن آرا هم ترانه به سرود و نغمه تعبیر شده، مانند دوبیتی‌های بابا طاهر عریان که به ترانه‌های بابا طاهر معروف است و در فرهنگ نظام سرود و اشعار ملی نامیده شده، در شاهنامه فردوسی نیز مکرر ترانک آمده است. ترانک از فهلویات و اشعار هجائی قبل از اسلام بوده، به معنای همان ترانه و ترنگه و رنگ است. گذشته از وجه تسمیه‌ای که شمس قیس و صاحبان فرهنگ‌ها برایش قائلند:

چو رود باربد زین خوش ترانه  
به آب زندگانی کرد خانه  
در قابوسنامه آمده است که هیچ وزنی مقبول تر از وزن ترانه نیست.  
”گفتند تا در هر نوبتی مطربی هم پیران را نصیب باشد و هم جوانان را و پس کودکان و زنان و مردان لطیف طبع نیز بی بهره نباشند تا آنگاه که ترانه گفتن پدید آمد.“

(قابوسنامه)

ترانه‌ها بر چند نوعند:



۱: ترانه شهری که نوعی ترانه و خوانندگی به نام شهری در موسیقی قدیم است که شروه نیز گفته می شده . بعضی از فرهنگ ها نوشته اند که زمانی ترانه های شهری به زبان پهلوی ادا می شده ، نام دیگر آنرا رامندی هم نوشته اند.

۲: ترانه بومی و روستائی که با رنگ محلی و بومی که در زبان اهالی یک محل و روستاهای اطراف آن ناحیه است . در این ترانه ها حرکت آهنگ ، ملودی ، و تاکیدات شعری بر پایه لحن قدیمی محلی همان نواحی است ، مانند ترانه های گیلکی ، کیجا و قاسم آبادی .

۳: ترانه های پندآمیز که مشحون از پند و نصیحت است و خطاب به حکام و امرا و زمامداران . مانند آنچه ملک الشعراى بهار در پند و اندرز به پادشاه وقت سرود و در اعصار مختلف نمونه این گونه ترانه ها ضبط شده . در عهد مشروطیت و بعد از آن نیز نمونه های این ترانه ها را از زبان عارف قزوینی ، ملک الشعراى بهار و ابوالقاسم حالت شنیده ایم . قدیمی ترین ترانه پندآمیز در قرن هفتم هجری نگاشته شده ، که اثری است از زمان ساسانیان و در کتابهای مراغی به نام نوروز مذکور است و آهنگ آنرا حسینعلی ملاح استخراج و ضمن شرح مبسوطی به خط ن ت مرقوم داشته است .

۴: ترانه های عاشقانه که بمناسبت هماهنگی احساس و سخن عشق ، در میان مردم طرفداران و گویندگان زیادی دارد که این ترانه ها گاهی به مسائل سیاسی کشیده شده است .

و سرودها که به معنی آواز نشاط انگیز یا مهیج ، نغمه ، شعر آهنگدار دارای جنبه های حماسی و ملی و وطنی و سرودهای ملی و رسمی یک کشور و آن حاکی از روحیه تاریخ و سنن آن کشور است .

در گوشه گوشه های سرزمین پهناور ما دریائی از سرودها، نغمه ها، ترانه ها و آهنگ ها موج می زند که صدای خیزش ها، دردها و عشق ها در گوش جان ماست .

عزیزشان بداریم !



### “میهن ای میهن”

ابوالقاسم لاهوتی

تنیده یاد تو در تار و پودم میهن ای میهن  
بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن

تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی  
فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن

فزونتر گرمی مه‌رت اثر می کرد چون دیده  
به حال پرعذابت می گشودم میهن ای میهن

به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم  
به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن

اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار  
به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن

به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید  
من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن



### “انترناسیونال”

ترجمه از ابوالقاسم لاهوتی

برخیز، ای داغ لعنت خورده  
دنیای فقر و بندگی!  
جوشیده خاطر ما را برده  
به جنگ مرگ و زندگی -  
باید از ریشه براندازیم



## ترانه‌های رزم و انقلاب



کهنه جهان جور و بند  
 آنکه نوین جهانی سازیم،  
 هیچ بودگان هر چیز گردند.

روز قطعی جدال است  
 آخرین رزم ما.  
 انترناسیونال است  
 نجات انسانها.

بر ما نبخشد فتح و شادی  
 خدا، نه شاه، نه قهرمان  
 با دست خود گیریم آزادی  
 در پیکارهای بی امان  
 تا ظلم را از عالم بروسیم  
 نعمت خود آریم بدست  
 دمیم آتش را و بکوبیم  
 تا وقتی که آهن گرم است.

روز قطعی جدال است  
 آخرین رزم ما.  
 انترناسیونال است  
 نجات انسانها.

تنها ما توده جهانی  
 اردوی بی‌شمار کار،  
 داریم حقوق جهانبانی  
 نه که خونخواران غدار  
 گرد وقتی رعد مرگ آور  
 بر رهنزان و دژخیمان





در این عالم بر ما سراسر  
تابد خورشید نورافشان!

روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما.  
انترناسیونال است  
نجات انسانها.



### “ آزادی ”

فرخی یزدی

آنزمان که بنهادم سر به پای آزادی  
دست خود ز جان شستم از برای آزادی  
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را  
می دوم به پای سر در قفای آزادی  
با عوامل تکفیر صنف ارتجاعی باز  
حمله می کند دائم بر بنای آزادی  
در محیط طوفانزا ماهرانه در جنگ است  
ناخدای استبداد با خدای آزادی  
شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار  
چون بقای خود ببیند در فنای آزادی  
دامن محبت را گر کنی به خون رنگین  
می توان تو را گفتن پیشوای آزادی  
فرخی ز جان و دل می کند در این محفل  
دل نثار استقلال، جان فدای آزادی





“ از فون جوانان وطن (آواز بهاری) ”

عارف قزوینی

هنگام می و فصل گل و گشت (جانم گشت ، خدا گشت ) چمن شد  
دربار بهاری تهی از زاغ و (جانم زاغ و خدا زاغ و) زغن شد  
از ابر کرم خطه ری رشک ختن شد  
دل تنگ چو من مرغ (جانم مرغ ) قفس بهر وطن شد  
(چه کج رفتاری ای چرخ

چه بد کرداری ای چرخ

سر کین داری ای چرخ

نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ ( الف

از خون جوانان وطن لاله (جانم لاله ، خدا لاله ) دمیده  
وز ماتم سرو قدشان سرو (جانم سرو ، خدا سرو ) خمیده

در سایه گل بلبل از این غصه خزیده  
گل نیز چو من در غم (جانم در غمشان ) جامه دریده

تکرار الف

از اشک همه روی زمین زیر و (جانم زیر و خدا زیر و ) زیر کن  
مشتی‌گرت از خاک وطن هست (جانم هست ، خدا هست ) به سر کن

غیرت کن و اندیشه ایام بتر کن  
و اندر جلو تیر عدو (جانم عدو) سینه سپر کن

تکرار الف





ژاله

سیاوش کسرای

ژاله بر سنگ افتاد چون شد،  
خون چه شد، خون چه شد،  
(ژاله خون کن، خون جنون کن)

سلطنت زین جنون واژگون کن) ۲ مرتبه

ژاله بر گل نشان، گل پران کن  
بر شهیدان زمین گلستان کن

نام گمنام ها جاودان کن

تا به صبح آید این شام تیره

(در شب تیره آتشفشان کن) ۲ مرتبه

(دست در کن، شو خطر کن)

خانه ظلم زیر و زبر کن) ۲ مرتبه

جان خواهر، کارگر، روستایی، برادر

پیشه ور، ای جوان، ای دلاور

ما همه یک صف و در برابر

آن ستمکاره، آن تاج بر سر

(دست در کن، شو خطر کن)

خانه ظلم زیر و زبر کن) ۲ مرتبه

خواهر من، گرامی برادر

چون به هر حال تنه‌است مادر



## ترانه‌های رزم و انقلاب



من به خاک افتادم تو بگذر  
 (بهر ایجاد دنیای بهتر) ۲ مرتبه  
 (دست در کن، شو خطر کن  
 خانه ظلم زیر و زبر کن) ۲ مرتبه  
 ای شما، ای صف بیشماران  
 اشک من در نگاه شما  
 بر سر هر گذرگاه و میدان  
 ژاله شو، ژاله شو، ژاله چون شد

ژاله خون، ژاله دریای خون شد  
 خون جنون، خون جنون  
 (سلطنت واژگون) ۲ مرتبه

ژاله بر سنگ افتاد چون شد،  
 خون چه شد، خون چه شد،  
 ژاله خون کن، خون جنون کن

سلطنت زین جنون واژگون کن



### “انترناسیونال”

سرود حزبی

برخیز، ای داغ نفرت خورده  
 دنیای لخت گرسنگان  
 کشدمان سوی جنگ خونین  
 عقل آشفته و جوشان



ویران سازیم این دنیا را  
 دنیای نو بپا کنیم  
 تا در آن هیچ را همه چیز و  
 بنده را مولا کنیم

(اینست آن قطعی ترین و آخرین جنگ ما  
 ز انترناسیونال است انسانیت بپا) ۲ مرتبه



### “توده زحمت”

اشعار از ذره

توده زحمت برآور  
 سر ز خواب دو صد قرن موهوم  
 چشم بگشا، گوش بشنو  
 بانگ شیپور دنیای مظلوم  
 بانگ شیپور دنیای مظلوم

کهنه دنیای ستم،	لایق انهدام است،	انتقام از آن از آن
این پرازیت ها،	دور از اجتماع ما،	این سیاستی است بجا
کهنه دنیای ستم،	لایق انهدام است،	انتقام از آن از آن

نی شهان و نی وزیران  
 پارلمان بهر کس دادرسی نیست  
 جز فداکاری و همت  
 حامی رنجبر هیچکس نیست  
 حامی رنجبر هیچکس نیست.



## ترانه‌های رزم و انقلاب



کهنه دنیای ستم، لایق انهدام است، انتقام از آن از آن از آن  
 این پرازیت ها، دور از اجتماع ما، این سیاستی است بجا  
 کهنه دنیای ستم، لایق انهدام است، انتقام از آن از آن از آن

جمله دنیا گو بدانند  
 جنگ ما جنگ بر ضد جنگ است  
 کوشش ما، جوشش ما  
 نز پی ثروت و نام و ننگ است.

کهنه دنیای ستم، لایق انهدام است، انتقام از آن از آن از آن  
 این پرازیت ها، دور از اجتماع ما، این سیاستی است بجا  
 کهنه دنیای ستم، لایق انهدام است، انتقام از آن از آن از آن



### ”سرود آهنگران“

ترجمه از دکتر تهرانی

ما آهنگران با روحی جوان  
 می سازیم کلیدهای بخت  
 می بریم بالا این پتک گران  
 می کوبیم آنرا بر سندان سخت، سخت، سخت  
 و پس از هر یک ضربت سنگین  
 می گسلد زنجیر، رهیم از دام  
 در همه شهرها بر روی زمین  
 توده رنجبر کند قیام، قیام، قیام (۲ بار)





“سرود اول هنری”

اشعار: احسان طبری      آهنگ: جمشید کشاورز

دلها از غم گشته خونفشان  
خیزید از جا ای ستمکشان  
باید کاخر در نبرد ما  
ظالم گردد محو و بی نشان.

(ندا رسد بما کنون ز هر کران  
پیا، برادران، بجنگ دشمنان  
ز جا بچاره گر نخیزی این زمان  
رها کجا شوی ز جور ناکسان؟)

الف

خوش بود فدا تن و جان را  
در ره مرام خود سازیم  
تا در این بساط ویرانی  
کاخ خرمی برافرازیم.

تکرار الف

تا کی ماندن بسته ستم  
تا کی بودن برده درم؟  
باید اکنون توده اسیر  
با ما گردد یار و همقدم.

تکرار الف

خوش بود فدا تن و جان را  
در ره مرام خود سازیم  
تا در این بساط ویرانی  
کاخ خرمی برافرازیم.

تکرار الف



مرگ و فقر و رنج و نادانی  
بهر چه نصیب خود دانی  
با چنین غم و پریشانی  
خامش از چه رو چنین مانی؟

تکرار الف

خوش بود فدا تن و جان را  
در ره مرام خود سازیم  
تا در این بساط ویرانی  
کاخ خرمی برافرازیم.

تکرار الف



”سرود دوم فزبی“

اشعار: احسان طبری      آهنگ: جمشید کشاورز

میزند کنون صدا  
حزب آهنین ما  
با ثبات و متحد  
ای ستمکشان بپا!

سخت و متحد بپا بزد این ستمگری ز جا  
با تمامی قوا برغم این اساس ناروا  
کوششی بود سزا که جسم و جان و راحت شما  
میشود همه فدا بدست اقتدار اغنیا

(میشود همه فدا  
جسم و راحت شما





زیر بار اغنیا  
ای ستمکشان بپا، برپا!

راه اگر چه پر خطر  
خصم اگر چه حيله گر  
توده بيگمان شود  
کامياب و با ظفر.)

الف

يا رها ز بندگی زمانی شادمان و کامران  
يا بپای زندگی نهاده خانمان و جسم و جان  
شرم و سرفکندي نباشد چاره ستمکشان  
با چنین درندگی ستمگر کی دهد بما امان

تکرار الف



”سرود سوم نژبی“

اشعار: احسان طبری  
آهنگ: محمود پرویز

جنبد ز جا چونان سیلی خروشان

اردوی ما زحمتکشان

باید پدید آید از کوشش ما

ایرانی آزاد ایرانی آباد

نیروی توده سخت و محکم باد

(ای توده! این زمان دوران آخرین پیکار است  
با رزم توده ها اساس انسانیت برقرار است.)

الف



سرتاسر گیتی از جنبش خلق

رستاخیزی اینک برپاست.

این عصر ما عصر طوفان دنیاست

در دنیای نو خاموشی بیجاست.

با عزمی محکم باید بپا خاست

**تکرار الف**

کاخ ستمکاران تا ویران گردد

صبح امید تابان گردد

خورشید آزادی فروزان گردد

بر روی عالم پرتو فشاند

تاظلمت و غم باقی نماند

**تکرار الف**



**سرود بهار ۴۳ هزبی**

اشعار: احسان طبری

برشکن هر سد اگر خواهی آزادی  
برفکن از پی نظام استبدادی  
از تلاش ما ظفر یابد داد  
کشور ایران رهد از بیداد

حزب ما توده را سازد پیروز  
میرسد فردائی از پی امروز  
از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند  
از رزم است هر خلقی قدرتمند



## ترانه‌های رزم و انقلاب



اختر رزم ارانی تا تابنده است  
 شیوه روزبه سزای هر رزمنده است  
 مهر آزادی راه و رسم ماست  
 یاری مردم جان پناه ماست

حزب ما توده را سازد پیروز  
 میرسد فردائی از پی امروز  
 از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند  
 از رزم است هر خلقی قدرتمند

کار و دانش را بتخت زر بنشانیم  
 دیو استبداد ز خانه بیرون رانیم  
 توده زحمت بهره ور نکوست  
 صاحب (اصلی) خاک میهن اوست

حزب ما توده را سازد پیروز  
 میرسد فردائی از پی امروز  
 از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند  
 از رزم است هر خلقی قدرتمند



### “سرود پنجم حزبی”

سپاه لاله‌ها دمیده بر ایران  
 ز پرتو امید وطن شده تابان

کز انقلاب ما چو تندری غران  
 نوای بس موزون ز نغمه ترانه‌ها

پرنده تا گردون



## ترانه‌های رزم و انقلاب



بیبک ای توده‌ها  
 خیزید اینک ز جا  
 اکنون امپریالیسم  
 کوشد برضد ما  
 با رزم بی‌امان  
 در شهر و ده‌پیا  
 تا زین وابستگی  
 ایران سازیم رها  
 ای خلق بیدار، پرجوش، هوشیار  
 همگام ای توده‌کار  
 با اتحاد پادار  
 برضد خصم‌قدار  
 با فکری روشن و جسور  
 با روحی محکم و غیور

گر تو خواهی بهر میهن نظم نو یابی  
 رو سوی حزب ارانی به که بشتابی

تا درفش کارگر را پر توان بینی  
 همچو خورشید درخشان از جهان تابنی

می روند برضد زور و زر  
 رغم بدخواهان غارتگر  
 متحد، دهقان و کارگر!





## “سرود جوانان دموکرات جهان”

ترجمه: ابوالقاسم لاهوتی آهنگ: لو آشانین

فرزندان هر ملت، ما بامید صلح زنده ایم،  
این سالهای پر شدت، بهر خوشبختی کوشنده ایم،

در هر اقلیم دنیا،  
در ساحل‌ها و دریا،  
هرکس جوان است  
با ما دهد دست  
با ما بصف دوستان

(نغمه دوستی سراید هر جوان، هر جوان، هر جوان!  
این سرود ما را کشتن کی توان، کی توان، کی توان!  
با جوانان، هماهنگ این را، خواند دنیا:  
این سرود ما را کشتن کی توان، کی توان، کی توان!)

### الف

در یاد است روز میدان نام دوستان بدل شد رقم  
خون پاک شهیدان دوستی ما را بسته بهم  
ای انسان شرفمند،  
پیش آ، با ما به پیوند  
بخت ملت‌ها، نورانی فردا در دست ماست، یاران

### تکرار الف

بر نادل می‌تازیم با سوگند مقدس به پیش  
پرچم بالا افزایش بهر حق سزاوار خویش



روز تاریک بدخواه  
باز بهر صلح کند چاه  
خیز ای جوانمرد،  
همراه ما گرد،  
ضد شرار جنگ!

تکرار الف



اتحاد خلق

ای شمایان، اتحاد خلق را آوا کنید  
نغمه پیوند بردارید، تا غوغا کنید  
پرچم پیروزی دیروز بر دوش شماس  
فرصتی تا هستتآن، اندیشه فردا کنید  
جان مائید، ای به ره ارزان نهاده جان خویش  
گر نه در اندیشه خویشید، فکر ما کنید  
سرخ گستردید خوان خون به پیش روی خصم  
بر سر این سفره با هم ای رفیقان، تا کنید  
شه شکستید و به شه سازان هجوم آورده اید  
تا سر افتد دشمن قدار را بی پا کنید  
بر عدو بستید هر در، کز عداوت می گشود  
حیلت آوردست اکنون، مشت او را وا کنید  
دشمن بی چهره را با صد نشان باید شناخت  
تا به هر رنگی که رو پوشد ورا رسوا کنید  
فاش گفتید آنچه با بیگانه می بایست گفت  
حالیا این دل به دشمن دادگان افشا کنید



در میان آن همه آواز کج آهنگ  
باز ای شمایان، اتحاد خلق را آوا کنید!



### ”رزم ما“

رزم ما، همان نبرد اولین ماست  
رزم ما، همان نبرد آخرین ماست  
جنگ رنجبر بصد گنجبر  
جبهه را دگر مکن!

من به جبهه‌های آزموده می روم  
رنگهای تازه آمده است  
نقش‌های تازه، نغمه‌های نو  
نوپذیر و تازه جو شدی، دریغ!

تو بسوی آنچه دل ز تو ربوده می روی  
من بسوی آنچه دانش زمانه ام نموده می روم  
می شناسی ام اگر نگه کنی، من برادر تو ام  
راه کج مکن ز من، به هرزه رو ترش مکن  
باز گرد و بنگرم!  
من بسوی آنچه بوده، پاک بوده، می روم

می روی به خانه، فاتحانه، شادمان  
می روی به بستر ای رفیق  
می روی به خواب  
شب خوشت.



من به وعده گاه دیدگان ناغنوده می روم  
هر کسی به راه خویش می رود  
من به راه توده می روم!



### “صنف اربابان”

صنف اربابان، گرم غارتند  
بر سر خون ما در تجارتند!  
برخیز اکنون دوران دیگر دوران ماست  
حکومت زین پس اندر گیتی نوبت شماست!  
چشم بهبودی ز اغنیا داشتن بهر ما خطاست  
قاجار و پهلوی بهر ما یکیست  
مقصد هر دو جز محو توده نیست  
ماندن نتوان زیر بار ظلم، در فشار ظلم  
صنف اربابان، گرم غارتند  
بر سر خون ما در تجارتند!



### “نگارنده تاریخ”

ای توده، نگارنده تاریخ شمائید  
وقت است که بازش بنویسیم بیایید  
دریای ز جا کنده افراشته بالید  
بس موج بلندا که شمائید، شمائید





چون ماه بسی در تک شبها بنشستید  
 امروز چو خورشید بر این بام برآئید  
 بیدار بمانید و فروزنده جاوید  
 آخر نه شما چشم و چراغ همه مائید

ای راه گشایان، کمر و قله گرفتید  
 دشمن به کمین است در این تنگ بپائید



### سپاس

( به مبارز قهرمان ، پرویز حکمت جو )

سپاس بر تو، که پولاد بی خلل بودی  
 روان چو کوره خورشید، شعله ور کردی،  
 به کارنامه ایام قصه ات باقی است  
 حدیث عمر اگر چند مختصر کردی.

سپاس بر تو، که در بندهای ابلیسی  
 فرشته بودی و در دام دیو نفتادی،  
 به بازجوئی، در دادگاه، در زندان  
 الی دقیقه آخر، چو کوه استادی.

چگونه خائن دژخوی راند در بندت  
 چگونه دشنه زد از پشت سر، خبر دارم،  
 چگونه دشمن دژخیم ساخت بیمار  
 چه رنجها که بجان زد شرر، خبر دارم،



در آن دیار که روز است تیره و غمگین  
مقام راحتی و جای شادکامی نیست،  
بخون نویسد هر روز شاه نام دگر  
سیاهکاری این دیو را تمامی نیست.

حساب خویش نکردی به کارزار بزرگ  
تمام عمر چو سرباز جان بکف رفتی،  
ولی تو در صف یاران خلق جاویدی  
اگر چه با تن رنجور خود ز صف رفتی.

براه حزب چه پیگیر و بی توقع و مرد  
بقول خویش چه پابند بوده ای، پرویز،  
نمونه ایست حیات تو بهر نسل جوان  
ایا مجاهد بی باک توده ای، پرویز!



”پایان“

هر کسی به راه خویش می رود  
من به راه توده می روم



حزب توده ایران